

امروز یک میدان داریم، یک خیابان داریم و یک دیپلماسی

30 فروردین 1405

دکتر محمد باقر قالیباف در گفتگوی تلویزیونی مذاکرات هیات ایرانی در اسلام آباد و دستاوردهای این سفر را برای مردم تشریح کرد.

متن کامل این گفتگو بشرح ذیل است:

سوال: یکی از سوالات اصلی در دو جلسه قبلی هم که صحبت فرمودید در مورد جنگ توصیفی عملیاتی از وضعیت جنگ را آن پیروزی‌هایی که داشتیم نقاطی که وجود داشته از دغدغه‌ها صحبت کردید. الان وضعیت جنگ و موقعیت ایران را در چه وضعیتی می‌بینید. آیا دست برتر با جمهوری اسلامی است یا آمریکا در موقعیت بالاتر قرار گرفته است؟

قالیباف: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا

عرض سلام دارم و احترام به همه ملت عزیز و شریف ایران؛ ملت آگاه، بصیر، شجاع و وقت شناس و عرض تبریک و تسلیت دارم به همه خانواده‌هایی که عزیزان خودشان را، فرزندان خودشان را، همسران خودشان را، دوستان خودشان را از دست دادند و به روایتی به دست آوردند. ابراز همدردی دارم با آنها و از خداوند بزرگ می‌خواهم که انشالله به گونه‌ای رفتار و عمل کنیم که مدیون این مردم عزیز و سرافرازمان نباشیم و از این که امروز این فرصت شد که با مردم عزیزمان سخن بگویم خداوند بزرگ را شاکرم ولی حتما بهتر بود که زودتر با مردم عزیزمان صحبت کنم ولی واقعا مشغله‌های کاری و فشار کاری کمتر این فرصت را به من داد و چون معتقدم همیشه دانستن و مطلع بودن مردم حق قطعی آنهاست و طبیعتا مخصوصا در این شرایط وظیفه ما است.

با آغاز جنگ ادامه همان حيله گری و بی اعتمادی که با آمریکا بود را باز هم دیدید. در وسط مذاکره این حرکت را انجام دادند و آن دفعه آمدند در طراحی شان فرماندهان ما را به شهادت رساندند. در این نوبت در آغاز کارشان امام شهید ما را به شهادت رساندند. بخشی از فرماندهان و نیروهای امنیتی ما را در یک جلسه بررسی دفاعی به شهادت رساندند. یعنی دوباره آن خوی جنایتکاری اتفاق افتاد.

ولی اولین نکته‌ای که می‌خواهم اشاره کنم این است که در جنگ اول، ما تاخیر ۱۴-۱۵ ساعته در حمله داشتیم ولی در این جنگ با توجه به این که فرمانده معظم کل قوا، فرمانده کل سپاه و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به شهادت رسیدند و این‌ها می‌توانست خلل وارد کند ولی دیدیم در کمترین زمان ممکن، عکس العمل نشان دادیم. با دقت این کار انجام شد. این حاکی از این است که از تجربه گذشته استفاده کردیم و اینکه ساختار ما ساختار مستحکمی است.

این که همیشه امام کبیر و امام شهید ما می‌گفتند فکر نکنید این انقلاب، این ایران، این کشور متکی به ما است، این متکی به خداست. متکی به این ملت است. در نبود ما هم این پیش می‌رود. دیدید امام شهید ما چند روز قبل از شهادت شان فکر می‌کنم در دیدار با مردم تبریز بود در سالگرد چهل شهدای انقلاب فرمودند اگر ما هم نباشیم خدا مردم را مبعوث میکند و بعد از چهل و اندی روز، معنی این حرف را همه ما درک کردیم. عینیت پیدا کرد این کلام که مردم واقعا خودشان مبعوث شدند. خودشان امام شدند. خودشان امت شدند و خدا آنها را هدایت کرد و دیدیم چه اتفاقی افتاد. ما در این شرایط جنگیدیم.

بارها از من سوال می‌کردند چه خصوصی، چه عمومی، من در آن بحث دوم هم اشاره کردم، اگر جنگی اتفاق بیفتد، در حوزه آفندی، هم از جهت کمی، هم از جهت کیفی و مهم‌تر از این دو در حوزه طراحی، حتماً یک سر و گردن از گذشته قدرتمندتر هستیم و امروز این را دشمن ما باور نمی‌کرد ولی امروز در میدان این را دیدیم. امروز مردم ما از آن دوره پای کارتر هستند و می‌بینید که قریب به ۵۰ شب است این مردم هر روز در خیابان هستند. در حوزه فنی قریب به ۱۷۰-۱۸۰ پهباد را زدیم. ما دوره قبل چنین قابلیت در حوزه پدافند نداشتیم. همه اتفاقات در ۷-۸ ماه افتاد. الان وقتش نیست. خواهم گفت که معجزه انقلاب و درایت مقام معظم رهبری را در حوزه جنگ نامتقارن و در حوزه پیشرفت‌های علمی همه دیدند. دشمن اظهارنظر کرد. زدن اف ۳۵، اتفاقی نیست. این حاصل زحماتی است در قابلیت‌های فنی و طراحی. آن‌هایی که باید بفهمند می‌فهمند که من چه می‌گویم. اگر شما دیدید که آن موشکی که در نزدیکی هواپیما منفجر شد، خودشان فهمیدند که این قابلیت یعنی چه؟ و به چه سمت پیش می‌رویم.

از بین جنگ اول تا این جنگ دوم که ۸-۹ ماه فاصله اتفاق افتاد، این قابلیت‌ها نشان داده شد. این به معنی این نیست که ما در قدرت نظامی از آمریکا قوی‌تر هستیم. دو دو تا چهار تا است. معلوم است آمریکایی‌ها پول، تجهیزات و امکانات شان از ما بیشتر است. از بس که این‌ها در دنیا جنایت کرده اند. چون همیشه کارشان تهاجم است. تجربه شان از ما بیشتر است. رژیم صهیونیستی هم که نوکر و عمله آنها است در منطقه برای منافع شان، در جنگ قبل هم اشاره کرد در دولت قبلی آمریکا که اگر اسرائیل هم نمی‌بود امروز باید یک اسرائیل در منطقه درست می‌کردیم. یعنی ژاندارم آنهاست. در این جا می‌خواهد کار خودش را انجام دهد. آن هم از قدرت بالایی برخوردار است. یک وقتی می‌بینم مردم عزیزمان می‌گویند که ما آن‌ها را نابودشان کردیم. نه. ما آنها را نابود نکردیم. ما در این جنگ برنده میدان هستیم و توانستیم. این نکته مهم است که بدانیم. حتماً تجهیزات و امکانات و پول در جنگ و در پیروزی موثر است ولی همیشه این اتفاق نمی‌افتد. ما در جنگ نامتقارن با این‌ها به گونه‌ای جنگ کردیم که با طراحی و آمادگی خودمان دشمن را ناکام گذاشتیم. این که می‌گویم آنها از جهت راهبردی و استراتژیکی اشتباه تصمیم می‌گیرند اینجاست.

همین‌طور در طراحی نظامی شان هم اشتباه می‌کنند. هشتگی که من می‌گفتم « الان این دولت مدعی اول آمریکا ولی عملاً شده دولت اول اسرائیل » چون با اطلاعات غلط و طراحی او تصمیم می‌گیرند. الان بعضاً از عزیزان مان می‌شنوم حتی بعضی افراد از رسانه ملی خودمان اینطور می‌گویند که ما همه قدرت نظامی آنها را نابود کردیم، برویم بقیه‌اش را هم نابود کنیم، مذاکره نکنیم. به این موضوع توجه کنیم حتماً برتری میدان به دست ماست به همین خاطر هم هست که ترامپ درخواست آتش‌بس دارد. باید به این موضوع توجه کنیم.

چرا ما میگوییم موفقیم. نگاه کنید اهداف دشمن چی بوده؟ به هر حال دشمن اگر به اهدافش نرسد شکست خورده. ما تهاجم نکردیم او تهاجم کرده. اهدافی داشته او میخواست ایران را تسلیم کند. او حرف از دو روز و سه روز زده. اما بیش از چهل روز است که ما جنگیدیم. آتش بس است ولی در چهل روز مجبور شده بگوید آتش بس بدهیم. پس نتوانست ما را تسلیم کند. او دنبال این بوده که نظام را تغییر دهد. نتوانسته تغییر دهد. او فکر کرده ایران ونزوئلا است و عین ونزوئلا عمل می کند. چهار روز بعد می گوید خوب این نفت ایران را گرفتیم. هر کس نفت می خواهد بیاید از خلیج فارس نفت ببرد. این هم یک هدفش بوده. هدف بعدی. او در روزهای اول می گفت من با بمباران هایی که می کنم، توان موشکی ایران را از بین می برم. هرچی زمان گذشت دید برای نواخت و دقت تیر ما اتفاقی نیفتاد. هر چقدر بمباران کرد نتوانست توان آفندی ما را از بین ببرد و این را قبلاً گفته بودیم که چنین اتفاقی خواهد افتاد. حتی سری قبل ما در لانچرها آسیب پذیر بودیم، این دفعه شما دیدید در این بخش تنوع آتش مان پیدا شد.

در اصفهان افتضاحی بدتر از افتضاح طبس برایشان افتاد. او تصمیم داشت از مرزهای غربی و مرزهای شرقی ما ضدانقلاب را پشتیبانی کند. دیدید گفت من اسلحه دادم به تعدادی از اینها که حمله کنند و ما را در اونجا درگیر کنند. هر تلاشی کرد موفق نشد. او به دنبال آشوب های داخلی بود هم قبل جنگ هم بعد جنگ این را دیدیم اما نتوانست این کار را انجام دهد. او تصمیم گرفت حمله زمینی کند نتوانست آمد تنگه هرمز را تصرف و باز کند. از دنیا دعوت کرد کسی بهش جواب نداد. ناتو را دعوت کرد جواب نداد. خودش آمد این کار را انجام دهد کسی به او توجهی نکرد.

این که روشن است ما در این صحنه پیروزیم. دشمن و افکار عمومی دنیا اعتراف می کنند ولی نگاه کنید این خیلی متفاوت است با اینکه بگوییم ما ارتش آنها را منهدم کردیم. ما پیروزیم بدون شک. امروز یک میدان داریم، یک خیابان داریم و یک دیپلماسی که البته من می گویم دیپلماسی اقتدار. هیچ تفکیکی به نظر من نباید باشد. اصلاً این ها سه تا نیستند. اشتباه نکن من به عنوان یک خدمتگزار به عنوان کسی که حداقل شناخت به موضوعات دارم امروز خیابان، میدان و دیپلماسی با هم هستند. ما امروز در حوزه قدرت نظامی و کار نظامی با این هشت، نه عاملی که گفتم موفق هستیم. گاهی نیازمند این هستیم که اینجاها مانور دهیم و به درستی حرکت کنیم. چطوری؟ بدانیم که یک جایی الان در حوزه نظامی به یک نقطه حداکثری هستیم امروز حتماً خیابان باعث این شده که ما در میدان با قدرت بایستیم. همین طور نیروهای مسلح هم ما را سر بلند کردند. دشمن نتوانست خواسته اش را به ما تحمیل کند. در حوزه نظامی این را به دست آوردیم ولی از جهت حقوقی و سیاسی این را برای امروز و در آینده باید تثبیت کنیم. اینجا جایی است که باید دیپلماسی اقتدار به میدان بیاید. باید پرچم را بدست بگیرد. البته من این را بگویم که حتماً اون ها بودند که دنبال آتش بس بودند ما هم امروز اگر آتش بس را به طور موقت قبول کردیم برای این است که اون ها به خواسته های ما تن بدهند. دشمن همه تلاشش این بود که خواسته های خودش را بر ما تحمیل کند. اینکه ما حقوقمان را ثبت کنیم و بمانیم در آن عرصه است. پس اینجا است که مذاکره یک روش مبارزه است این روش مبارزه یعنی اینها مکمل هم هستند.

اولین خواهشی که از مردم عزیزمان دارم این است که از این سه میدان که در حقیقت یک میدان هستند، پاسداری کنند. مطمئن باشید که ما در این میدان هیچ گونه وادادگی نخواهد داشت. در این چارچوب حتماً کا را دنبال می کنیم و ملت ایران مفهوم اراده و عزم ملی را عینیت بخشیدند و این را حتی برای سراسر جهان به نمایش گذاشتند و به معنای واقعی احیا کردند. این ظرفیت هست و ان شاء الله

این پیروزی به دست ما خواهد آمد.

سوال: توضیحی که شما فرمودید نشان داد که ما در میدان نظامی در برتری قرار داریم و اشاره‌ای هم کردید که این پرچم باید برود به دست میدان دیپلماسی اقتدار قرار گیرد یک مقداری این را بیشتر توضیح می‌دهید که چطور شد شما احساس کردید الان وقتی انتقال این پرچم است. در چه شرایطی آیا از موضع ضعف رفتید یا بالاخره فرآیندی طی شد که این دیپلماسی اقتدار معنایش را پیدا کرد؟

قالیباف: اولاً نگاه کنید تا وقتی که در حوزه میدان و حوزه نظامی کارمان را محکم دنبال می‌کردیم. امروز هم محکمیم. یعنی ما امروز در لحظه اگر دشمن خطایی کند و اقدامی انجام دهد، چون ما به دشمن هیچ اعتمادی نداریم، همین الان که ما اینجا نشستیم ممکنه توی همین لحظه هم‌رپ، دو مرتبه جنگ را شروع کند. در حوزه میدان، آمادگی نیروهای مسلح این‌گونه است. این نیست که وقتی ما داریم مذاکره می‌کنیم دیگر بخش میدان نه. به همین میزان که مردم مان خیابانند نیروهای مسلح آماده اقدام هستند. وقتی که دشمن نتوانست با قدرت نظامی خواسته هایش را به ما تحمیل کند، دنبال پیغام پس‌غام رفت. چون با اولتیماتوم‌هایی که داد هیچ اتفاقی نیفتاد. دید نه ما محکم در میدان ایستادیم. الان هم ایستاده ایم.

دشمن مجموعه‌های ۱۵ بندی را از دو سه کانال، به ایران منتقل می‌کرد که مذاکره کنیم. تا این که طریق پاکستان یک ۱۵ بندی که آمریکایی‌ها داده بودند را نخست وزیر پاکستان و فرمانده آقای عاصم منیر منتقل کرد به ایران. این موضوع به طور دقیق در شورای عالی امنیت ملی بررسی شد. شاید روز ۳۶ - ۳۷ام جنگ بود. او فقط پیغام می‌داد ما کارمان را انجام می‌دادیم. در میدان ایستاده بودیم جواب او را می‌دادیم. حتی گفت: ۴۸ ساعت دیگر زیرساخت‌ها را می‌زنیم. ما گفتیم این کار غلطی است که انجام می‌دهی ولی اگر زیرساخت‌ها را بزنی ما هم زیرساخت‌ها را می‌زنیم. گفت: ما برای شما جهنم درست می‌کنیم. گفتیم جهنم اول برای خانواده‌های آمریکایی و برای بقیه دنیا است. بله ممکن است به ما هم آسیب برسد ما نمی‌گوییم به ما آسیب نمی‌رسد ولی قبل از این که به ما آسیب برسد به شما آسیب می‌رسد. ما هم پاسخ می‌دهیم. همه این‌ها او را منفعّل کرد نتوانست آن تصمیم را بگیرد و بعد پیغام‌هایی هم می‌داد. اگر بناست چاه‌های نفت ما زده شود، دیگر نفتی نباید از جایی برود. وقتی بنا است او ما را بزند، ما استفاده نکنیم، چرا باید آمریکایی‌ها استفاده کنند؟ چرا بعد او باید بگوید من این جا را ونزوئلا می‌کنم. نفت را می‌برم؟ این‌ها باعث شده بود تهدیداتش هم بی اثر شود.

در آن موقع حرفی از مذاکره نبود. آن پیشنهاد ۱۵ بندی را هم از طریق پاکستان به صورت رسمی از طریق نخست وزیر پاکستان و فرمانده ارتش آنجا برای ما ارسال کرد. در شورای عالی امنیت ملی این موضوعات بحث و به لحظه به رهبری معظم منتقل و تصمیم گیری می‌شد. خواسته‌های ما و آن اهداف و حقوق ملت در این ۱۰ بند گنجانده شد. ما این را نه به آمریکایی‌ها، ما این را به پاکستان گفتیم که حرف ما این‌ها است. آن ۱۵ بند را قبول نداریم. حرف ما این ۱۰ بند است. اگر آمریکایی‌ها روی ۱۰ بند حرفی دارند، قابل مذاکره است. هنوز ما با آمریکایی‌ها حرف نزدیم. طرف پاکستانی با آمریکایی‌ها که میانجی بودند صحبت کردند و کلیت بحث را با آمریکایی‌ها مطرح کردند. البته آمریکایی‌ها بعد پیشنهاد ۹ ماده‌ای دادند. ما نهایتاً بر همان ۱۰ ماده خودمان اصرار کردیم. گفتیم این نظر ما این است اگر می‌خواهید باشد، در این چارچوب باشد. آنها بعد دیگر این را پذیرفتند که سر این صحبت شود و گفتند

که بخاطر این که این را بخواهیم شروع کنیم آتش بس موقتی بدهیم که یکی از بندهای مهم آنجا بود. نمی‌خواهم وارد محتوای آن شوم. همین الان که آنها اصرار می‌کنند می‌گویند آقا سه چهار روز مانده بیاید نهایی کنیم در بعضی جاها نظرات ما بطور روشن تامین نشده است. منتها همان زمان هم به پاکستان که میانجی بود گفتیم ما نظرم را دادیم باید اگر آمریکا دنبال این کار است باید آقای ترامپ در توثیاتی اعلام کند که درخواست آتش بس دارد. بخاطر این که آنها بدانند از طرف آنهاست. ما پای میدان جنگ بودیم. این که می‌گویم دیپلماسی اقتدار، یعنی این که او در این مقطع به این احتیاج دارد. ما هم که پیروز میدان هستیم، همه جا مانع او شده بودیم و در تنگه هم مستقر بودیم. آنجا بحث‌هایی هم داشتیم. یکی از بحث‌ها این بود که حزب الله هم جزء این آتش بس است. چرا؟ خواهش می‌کنم مردم عزیز، مخصوصاً دوستان در میدان به این موضوع دقت کنند.

سالیان سال است که حزب الله با رژیم صهیونیستی می‌جنگد، ولی جنگ اخیر را حزب الله بخاطر جمهوری اسلامی شروع کرد. جبهه مقاومت به کمک جمهوری اسلامی آمد. یعنی همیشه آنجا جنگ بود. لذا اگر می‌خواستیم این آتش بس را برقرار کنیم باید شامل آنها هم می‌شد. جزء شروط بود. یعنی در آن ۱۰ بند یکی این بود که آتش بس در منطقه، یعنی ایران و جبهه مقاومت. اگر دقت کردید دیدید توثیبت نخست وزیر پاکستان را وقتی که دعوت کرد برای آتش بس کلمه لبنان و حزب الله را آورد. پس این منطق بود. البته بعد که آنها آمدند برداشت‌های دیگری داشتند. یک مقدار زمان برد. وقتی ما رفتیم پاکستان آتش بس اعلام شد ولی آتش بس به درستی در لبنان انجام نشد. آن توثیبتی که من زدم « شما مکلف هستید آتش بس را در لبنان برای حزب الله، تکمیل و تثبیت کنید» آنها هم یکی از بحث‌هایشان این بود که اگر آتش بس شد یعنی بخشی از این تعهدات و مهم‌ترین آن بحث حزب الله بود اتفاق افتاد، ما هم تردد را در تنگه بتوانیم به سمت عادی کردن اجازه بدهیم پیش ببرند. ما همیشه دنبال عادی کردن بودیم. الان هم هستیم ولی اگر ما آنجا را یک مقدار متوقف کردیم بخاطر این که آتش بس در لبنان به طور کامل برقرار نشد و بعد هم این جا ما تنگه را باز کردیم. این را هم بگویم مردم عزیز ما، امروز تنگه در کنترل جمهوری اسلامی است. از آن طرف هم ما می‌خواهیم آنهایی که مخصوصاً در این جنگ در طرف دشمن نبودند بتوانند براحتی از این تنگه عبور کنند. نمی‌خواهیم ناامنی را توسعه دهیم، هرگز ما دنبال این نیستیم.

و نکته بعدی اینکه یک مرتبه ای وقتی آمریکا این را دید میخواست تنگه هرگز را مین‌روبی کند. ما محکم ایستادیم و برخورد کردیم اینها را لغو آتش بس می‌دانستیم و بعد گفتیم اگر این اقدام را بکنید می‌زنیم تا مرحله درگیری هم رفتیم. آنها عقب‌نشینی کردند. من اونجا که بودم برادرمان آقای عبداللہی با من تماس داشت می‌گفت مین‌روب اینها آمده در جایی قرار گرفته که اگر اینجا نایستد حتماً موشک ما بهش اصابت می‌کند. اونجا به هیئت آمریکایی گفتم، داخل این مرز هستید اگر از جلوتر بیاید قطعاً می‌زنیم. از ما پانزده دقیقه وقت خواستند بعد بسرعت برگشتند. لذا اگر امروز در تنگه هم ترددی دارد انجام می‌شود کنترل تنگه دست ماست. لطف خدا بر این هست که تنگه امروز ظرفیت بالقوه‌ای داشته که بالفعل شده. و من به دوستان گفتم این دقیقاً مثل قصه حضرت موسی شد که فرعون همه فرزندان پسر را می‌کشت که حضرت موسی نباشد خدا هم اراده‌اش بر این شد تا حضرت موسی را برد در کاخ فرعون بزرگ کرد و این توان بالقوه را آنها بالفعل کردند و این شد یک نعمت الهی که امروز در دست جمهوری اسلامی است.

البته من بگویم این تنگه حتماً تنگه‌ای است که مردم دنیا و کشورهای منطقه باید از آن استفاده کنند. ما مثل آمریکا نیستیم که ببلعیم و هر چی می‌خواهیم ببریم. ما مواظب حق تردد اون‌ها هستیم ولی با پروتکل‌هایی که می‌گذاریم. به همین خاطر دیشب این توییت را زدم. الان هم روشن را می‌گویم الان اینها دو روزه سه روزه آمدند محاصره کردند. عجب تصمیم ناشیانه‌ای. اگر اینجا تنگه هست همه بروند ما نرویم. مگر امکان امکان‌پذیر است؟ این هم اشتباه روی اشتباه. گفتم اگر محاصره را رها نکنند حتماً تردد در تنگه محدود خواهد شد. تردیدی در این نیست. دیروز هم به آقای عاصم منیر گفتم که دشمن نباید چنین اقداماتی کند که بخواد آتش بس را بشکند. هر کدام تعهدی داریم و باید انجام دهیم.

در پاکستان آقای ونس گفتش که من با حسن نیت آمدم اینجا و آمدم که صلح پایدار داشته باشیم. من در جواب گفتم شما حتماً توییت من را خواندی؟ در توییت نوشتم « ما هم با حسن نیت می‌آیم اینجا ولی در اوج بی‌اعتمادی » همین الان که اینجا نشسته‌ام جلوی شما هیچ اعتمادی ندارم. شما اولین کاری که باید انجام دهی این است که اعتمادسازی کنی. گفتم ترامپ توییت زده که مذاکره کننده‌هایی که آمده‌اند اینجا، زنده ماندنش‌ها برای این است که مذاکره کنند. آگه تا بیست و چهار ساعت تصمیم نگیرند معلوم نیست اینها زنده باشند. گفتم این رفتار شما آمریکایی‌هاست. بدانید ما تا آخر ایستاده‌ایم.

دیدید که چند وقتی مین روب‌ها اونجا بودند گفتم ما هم آماده جنگ بودیم و هستیم. ما جنگ طلب نبودیم. ما کاملاً به شما بی‌اعتماد بودیم تا الان هم هستیم ولی ما به مردمان و به نصرت الهی ایمان داریم و هیچ اعتمادی هم به شما نداریم. آنها هم اشاره کردند در رسانه‌های خودشان که هیئت ایرانی بسیار سرسخت و مقتدرانه روی اصولشان ایستاده‌اند و راهبرد اصلی مذاکرات هیئت ایرانی هم همان تدابیری بود که رهبری معظم گفتند و هیچ موقع هم خارج از آن بحث را دنبال نخواهیم کرد و همین‌طور که گفتم مذاکره هم یک روش مبارزه است برای تکمیل میدان. برای حق این مردم در خیابان و ملت عزیز شریفمان. مردم مطمئن باشند ما بند به بند این موضوعات را دنبال می‌کنیم حالا مردم ما در خیابان این میدان را پر می‌کنند و نیروهای مسلح ما در عرصه نظامی. بنده هم به عنوان یک رزمنده امروز در حوزه مذاکرات این موضوع را دنبال می‌کنم. البته روشن بگویم هیچ موقع داوطلب چنین کاری نبودم.

مردم بدانند من باقیمانده رزمندگانم. بدون شک هیچ توفیقی برای من جز شهادت نیست. بدانید امروز چه کاغذهای مذاکره چه میدان جنگ هر دو برای من یکی است. هم جانم را آماده‌ام بدهم و هم آبرویم را و هم حاضرم خون بدهم، هم حاضرم خون دل بخورم. مهم این هست که حق این ملت و ایران سرافراز حفظ شود و همه ما تحت رهبری مقام معظم رهبری حضرت آیت الله آقا مجتبی خامنه‌ای پیش می‌رویم. نه جلوتر نه عقب‌تر. ان شاء الله شکی هم نداریم و آخری تحبون‌ها نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین.

سوال: سؤالی خیلی برای مردم آن زمان مطرح شد ترامپی خیلی شفاف دارد با ما مذاکره می‌کنند شما توییت زدید نه مذاکره‌ای وجود ندارد و یک دفعه مردم مواجه شدند با یک توافق آتش‌بس. همه احساس کردند که آقای قالیباف بهشون دروغ گفته این را اشاره کردید ولی می‌خواهم دقیق‌تر بگویید؟

قالیباف: اگر با آمریکا در حال مذاکره بودیم این همه اولتیماتوم برای چی بود؟ چرا می‌گفت دو روز

دیگر؟ چرا می‌گفت پنج روز دیگر؟ چرا می‌گفت زیر ساختارها را فردا می‌زنم؟ روشن بگویم ما مردها بهمون بر نخورد بانوان ایرانی با غیرت‌تر از مردها توی میدان بودند. من شرمنده این‌ها شدم.

آن روزی که گفتند که ما می‌خواهیم پل‌های اساسی را بزنیم، نیروگاه‌ها را بزنیم، صحنه‌ای دیدم که خانم جوانی دست بچه هایش را گرفته، همه آمدند روی پل‌ها ایستادند. همه رفتند زنجیره انسانی تشکیل دادند. نمی‌دانم این هیئت حاکمه نادان آمریکا چطور می‌گویند این جا ونزوئلا است. چرا این را درک نمی‌کند؟ به ونس گفتم ملت ایران، ملت با ادب، محترم و شجاعی هستند. در تاریخ تمدن ایران نمی‌بینید که ایرانی‌ها جایی استقلال شان را از دست داده باشند. تازه ایران گفته ما نقشی هم در این جنگ‌های جهانی نداریم. ببینید در ایران چند میلیون انسان را کشتار کردند؟ چه در قحطی و چه در جنگ، این افتخار اینجا بود و هست که این ملت توانست آمریکا و رژیم سفاک صهیونیستی را با هم زمین گیر کند. واقعا هیچ مذاکره‌ای تا همان زمان یعنی ۴۸ ساعت قبل از آتش بس هرگز اتفاق نیفتاد. بعضی‌ها می‌گویند جنگ روانی. هشت تا توثیت با هم زد، هفت تای آن دروغ بود. سخنگوی وزارت امور خارجه جناب آقای بقایی که سخنگوی هیئت مذاکره کننده هم هست دیشب به درستی این را دقیق توضیح دادند. آن نامه‌هایی که گفتم ۱۵ بندهایی که آمد و رفت، ما نهایتا بعد از این که تصمیم گرفته و جمع بندی شد در شورای امنیت ملی و با اساس مذاکره و شروط مذاکره رهبری معظم موافقت کردند. آن ۱۰ بند را فرستادیم این‌ها همه در آن ۴۸ ساعت آخر بود. از آنجا به بعد هم این حق مردم است.

سوال: در ۴۸ ساعت، مذاکره کردید یا پیام فرستادید؟

قالیباف: پیام فرستادیم. اصلا مذاکره ما از جمعه آخر شب بود. صبح شنبه ساعت ۱۲ به افق پاکستان، رسیدیم آنجا. مذاکرات همان شنبه بود. همان مدت حدود ۳۰ ساعتی بود که آنجا بودیم. هیچ مذاکره دیگری در قبل از آن نشده. فقط در همان ۴۸ ساعت. یعنی اولین توثیت رسمی ما توثیت آقای وزیر امور خارجه بوده که با آتش بس موافقت کرده بعد از درخواست آتش بس توسط ترامپ.

سوال: بعضی‌ها می‌گویند آتش بس لبنان موضوعیت داشته شما هم در شروط کار گذاشتید، اما می‌گویند شما چرا رفتید مذاکره، نمی‌رفتید. چون شرط را رعایت نکرده، مذاکره را شروع نمی‌کردید یا می‌گویند حمله می‌کردید، وقتی او دارد حمله می‌کند شما هم حمله می‌کردید این سوال که وقتی آتش بس لبنان اجرا نشده و اتفاق نیفتاده، چرا رفتید وارد مذاکره شدید؟

قالیباف: خواهش می‌کنم این روند توثیت‌هایی که هست را توجه کنید. یعنی مواضع روشن باشد. بدون شک حزب الله جزء توافق بوده. البته آنها بعد حرف‌هایی داشتند که دیدید رئیس جمهور و نخست وزیر لبنان، آنهایی که وابستگی به آمریکا دارند حرف‌هایی زدند. از آن طرف رئیس مجلس لبنان، آقای نبیه بری که من دو نوبت با ایشان صحبت کردم، حزب الله و بعد بخش عظیمی از مردم لبنان، به رژیم صهیونیستی حرف‌هایی دارند. من به آن بحث نمی‌خواهم الان اشاره کنم. بحث این بود که حتما باید موضوع مربوط به حزب الله و پول‌های مسدودی، قبل از این که وارد مذاکرات شویم در دستور بحث مان باید باشد و اگر بخواهیم وارد مذاکرات شویم اگر این‌ها حل نشده باشد وارد آن ۱۰ بند نمی‌شویم. اول باید این‌ها حل شود که وارد ۱۰ بند شویم. اصلا نشست اول ما با میانجی که آقای عاصم منیر بحث ما این بود که چه شد؟ قضیه آتش بس حزب الله؟ ما حدود دو ساعت و پانزده دقیقه سر این موضوع

بودیم. چون من گفتم تا این‌ها تکلیفش روشن نشود اصلاً ما وارد موضوعات ۱۰ بندی که باید دنبال کنیم نمی‌شویم. آنها از همان روز هم اگر نگاه کنید، آتش بس را دنبال کردند، ترامپ دنبال کرد، نتانیاهو صحبت کرد، آتش بس هم شروع شد، کامل نشد. اگر خاطرتان باشد یک روز بمباران کرد که یک تعداد شهید شدند. اگر ما همان جا هم گفتیم اگر این بمباران ادامه پیدا کند، نه تنها او را دنبال می‌کنیم؛ آتش بس به جای خود، دیگر پاسخ شدید به آنها می‌دهیم. آن روز هوا فضا اعلام آمادگی کرد برای زدن و رژیم صهیونیستی اعلام کرد که در جنوب بیروت ۹ مکان دیگر را تخلیه کنید می‌خواهم بزنم. وقتی این را اعلام کرد ما محکم اعلام کردیم هم به آمریکا هم به آنها که اگر این محل را بزند ما آتش بس را رعایت نمی‌کنیم، نزد این را شاید ما به جزئیاتش را به مردم منتقل نکردیم.

سوال: شما اگر اصلاً مذاکره نمی‌رفتید به نظر شما آتش بس لبنان اجرا می‌شد؟

قالیباف: نه. اصطلاحی هست می‌گویند گره‌ای که می‌شود با دست باز کرد با دندان باز نکنید. بهرحال آتش بس آنجا برقرار شد ناقص. دقیقاً توضیح دادم به چه معنا؟ به معنای این که ما از این طرف که می‌گفتیم آتش بس اگر انجام ندهید ما اصلاً آتش بس را دیگر رعایت نمی‌کنیم. یعنی جنگ را شروع می‌کنیم، مذاکره را هم قطع می‌کنیم. هر دو با هم. هم مذاکره را قطع می‌کنیم هم جنگ را شروع می‌کردیم. این‌ها آتش بس را نیم بند رعایت کرده بودند. این هم از حيله هایشان است ولی ما محکم ایستادیم. بهرحال آنها قبول کردند، ما برای این کار تنگه هرگز را هم بستیم. حتی به آنها به طور روشن گفتیم هم تنگه هرگز را می‌بندیم هم حتماً جنگ را شروع می‌کنیم. از همه ابزارهایمان استفاده کردیم و توانستیم اراده و خواست خودمان را تحمیل کنیم. دیروز هم روشن گفتیم دشمن اگر بخواهد محاصره را ادامه دهد، تنگه بسته خواهد شد.

در مذاکرات که سه جانبه بود و خیلی به این موضوع تاکید داشتیم. افتاد به هیئت آمریکایی که ما واقعاً بی‌اعتمادیم. یعنی بی‌اعتمادی کامل وجود دارد. با بیانی روشن خواسته‌هایمان را محکم گفتیم. الان هم چند موضوع هست که اختلاف نظر وجود دارد و آنها نظراتی در حوزه هسته‌ای دارند و نظراتی در بحث مربوط به موضوعات تنگه. اصلاً نفس مذاکره مال این است که طرفین به تفاهمی برسند. ما حسن نیت داریم ما برای اینکه که صلح پایدار باشد صلح پایداری که تضمینی در آن باشد که دیگر این بحث دو مرتبه تکرار نشود. چون رژیم صهیونی و آمریکا مخصوصاً رژیم صهیونی در هشتاد سال گذشته جنگ، آتش بس، صلح نگاه کنید. توی یک سال دوبار اتفاق افتاده. این باید قطع شود. بند اول این است که این صلح باید پایدار باشد و تضمینی داشته باشد که تکرار نشود. اینها جزئیاتی دارد که باید دنبال کنیم. بیش از هر زمان نیاز به اجماع داریم. ترکیب گروه به گونه‌ای بود که سلايق مختلف، نگاه‌های مختلف داشتند. هم از جهت کارشناسی، هم در نقش ملی. هیچ کار جناحی و سلیقه‌ای نبود. در مذاکرات به اقتدار و منطق و سرسختی در جاهایی که لازم بود توجه کردیم چرا که بی‌اعتماد بودیم. چندبار در مذاکرات این بحث گفته شد و پیش رفت. در آخر من گفتم که این مذاکرات بی‌اعتمادی ما را برطرف نکرد ولی من فکر می‌کنم هم هیئت آمریکایی هم هیئت ما با سوابقی که من از قبل در مذاکره داشتم یک مقدار درک مان از همدیگر واقعی‌تر شد. مثلاً اونجا این‌گونه شد که در صحبت‌ها سوء تفاهم‌هایی پیش می‌آمد. یعنی از یک موضوع برداشت متفاوتی می‌شد ولی چون سه‌جانبه بود میانجیگری که اونجا حضور داشت بحث می‌کرد. بعد روشن می‌شد که نه مثلاً منظور این است این نیست اون هست. چون خیلی ظرافت دارد، دقت دارد.

مهم این است که یک لحظه غفلت نکنیم از موضوعی که اشاره کردم. میدان، خیابان، دیپلماسی اقتدار همه برای یک هدف آن هم تحقق حقوق ملت و ایمن کردن کشور که کسی دوبرتبه جرئت تهاجم به این کشور را پیدا نکند. این مهم‌ترین موضوعی است که ما باید دنبال کنیم. البته خیابان محور اصلی است که هم حوزه نظامی و نیروهای مسلح و هم عرصه دیپلماسی را تقویت می‌کند و کار را پیش می‌برد و بدون شک ما معتقدیم که این اثر حضور ملی مردم، مقاومت همه جانبه مردم و حضور عزیزان ما در خیابان‌ها به عینه می‌تواند کمک کند هم به عرصه نظامی هم به عرصه دیپلماسی و همه اینها مبارزه هست با روش‌های مختلف.

سوال: آیا روند مذاکرات پیشرفت داشته. چون در اخبار می‌گویند یک شنبه، پنجشنبه هی دارند اطلاعات می‌دهند که مذاکره در فلان تاریخ است؟

قالیباف: بله. بعضی موضوعاتش به جمع‌بندی رسیده بعضی موضوعاتش نه. پیشنهادهای دیگه‌ای داشته. اما با آن بحث نهایی هنوز فاصله دارد. یعنی جاهایی هست که ما بر آن موضوعات اصرار داریم. به این معنا که دیگر خواسته‌ها قابل گذشت نیست. در نهایت در مذاکرات پیشرفت داشتیم، اما فاصله هایمان هنوز زیاد است. بعضی نکات اساسی باقی مانده. این نکته مهم است که بدانید و آن نکته که آمریکایی‌ها باید بدانند این است که آمریکا تصمیم بگیرد اعتماد ملت ایران را جلب کند. این مهم‌ترین گامی است که باید آمریکایی‌ها بردارند. اگر آنها واقعاً می‌خواهند که با حسن نیت پاسخ دهند باید آن رویکرد گفت و گوی خودشان را از یک جانبه‌گری و روحیه‌ای که بخواهند چیزی را به ما تحمیل کنند از این دست بردارند و تجربه کردند که چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد و سیاست ما هم اقدام گام به گام است. تعهد در مقابل تعهد. یک گام آنها باید بردارند یک گام ما باید برداریم. این طوری نشود که ما تعهد خود را عمل کنیم آنها عمل نکنند. ما سعی کردیم این تجربیات با همان حس بی‌اعتمادی دنبال کنیم. توجه داشته باشیم که دشمن از دشمنی اش دست برنداشته. دشمن حتماً در کمین است. دشمن حتماً به دنبال آسیب زدن است و از این ناامید نشده و هر روز هم یک نقشه و شرارت از آستینش بیرون می‌آید. همه تلاشش این است که بتواند این وحدت و حضور مردم و اتحادی که مردم در جنگ دوازده روزه را از بین ببرند. قریب به سی میلیون نفر در پویش جان فدا نام نویسی کردند. دیروز چند ساعت از میدان امام حسین (ع) تا چهارراه حضرت ولیعصر (عج) خانوم‌ها آمدند. این است حضور مردم.

وقتی او می‌گوید زیرساخت می‌زنم مردم بچه‌هایشان را می‌برند آنجا. امروز ما موظفیم قدرشناسی کنیم. اینها قدرت ما هستند. بدون شک همه ما این کلام امام کبیرمان را که فرمودند محور وحدت جامعه اسلامی ما ولی فقیه است. امروز اگر می‌خواهید آسیبی به مملکت ما نرسد باید پشتیبان ولایت فقیه باشیم. امروز این وظیفه ماست و ان شاء الله ما مسئولین هم طبیعتاً بیشتر از مردم وظیفه داریم برای این اجماع، برای این وحدت تلاش کنیم. هم بین خود مسئولین این یکپارچگی باشد همین این که تلاش کنیم رفتار ما باعث دوگانگی نباشد و از همه مردم عزیزمان هم می‌خواهم که به حق همه رزمندگان دعا کنند.

انشاءالله روح امام کبیر ما روح امام شهید ما از ما راضی باشد. ان شاء الله این شهدا، این مردم این خانواده‌هایی که عزیزان خودشان را در این راه تقدیم اسلام و ایران کرده اند، برای افتخار ایران، عزت ایران، آرمان‌های دین و عزت مسلمین و امنیت مدیون اون‌ها نباشیم. تلاش کنیم و از همه اون‌ها التماس دعا دارم.